



الگوی وام‌دهی ۴ اقتصاد موفق دنیا

«فرهنگیستان» تجربه هدایت اعتبار به بخش‌های تولیدی در آلمان، چین، ژاپن و کره جنوبی را بررسی می‌کند



محمدرضا گلر ومفرد روزنامه‌نگار

یکی از بزرگ‌ترین معضلات بخش تولید در کشور دسترسی به منابع مالی است. کارشناسان معتقدند اگر بتوان منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی را تامین کرد نه تنها می‌تواند به بیرون آمدن از رکودی که چند سالی است اقتصاد ایران به آن گرفتار است، کمک کند بلکه می‌تواند اثرات تحریمی را به شدت کاهش دهد. در این زمینه همواره دو سیاست مورد تاکید اقتصاددانان قرار گرفته است که عبارت‌اند از: اولاً هدایت اعتبار و ثانیاً هدایت نقدینگی به بخش تولید. هدایت نقدینگی در واقع هدایت پول خلق شده توسط بانک‌هاست که یا در قالب سپرده‌ها یا مسکوکات در دست مردم وجود دارد و ابزار آن نیز عموماً اعمال سیاست‌های مالیاتی جهت گرفتن یا اعطای جذابیت از بازار مورد هدف در اقتصاد است. اما

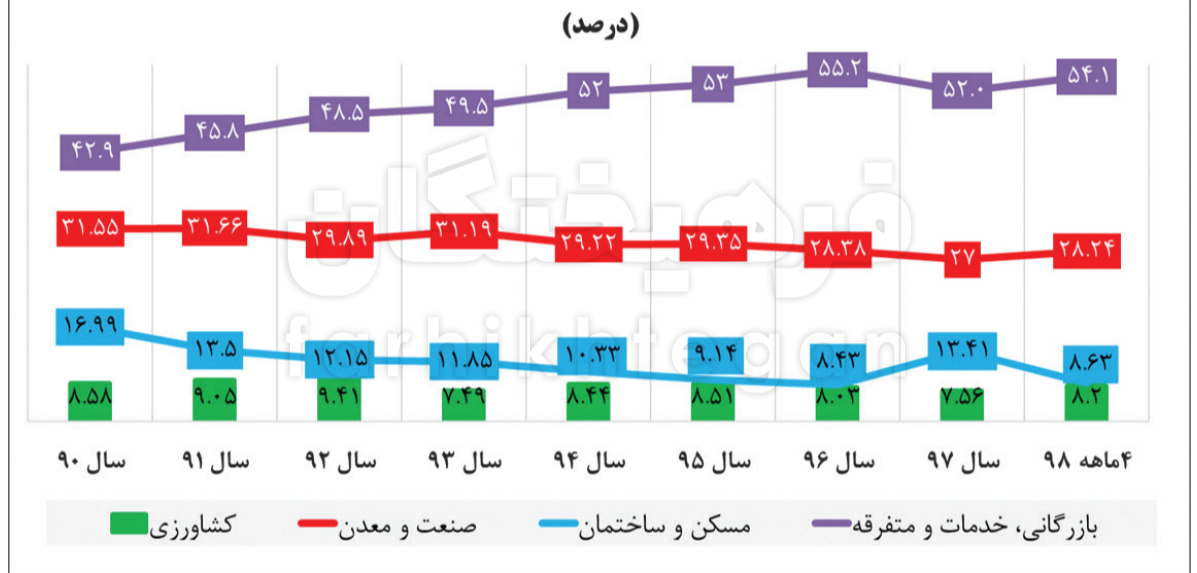
هدایت اعتبار مربوط به خلق پول توسط بانک‌ها (نه بانک مرکزی) است. در واقع بانک‌ها به صورت روزانه و دائم به خلق پول می‌پردازند و آن را عموماً در قالب تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصاد وام می‌دهند. در این زمینه اگر این خلق اعتبار صرف بخش‌های مولد و اشتغال‌زا شود می‌تواند هم به تحریک بخش عرضه در اقتصاد کمک کند و هم از طریق دستمزد نیروی کار بخش تقاضا را نیز تحریک کند. اما اگر این خلق اعتبار به سمت بازارهای غیرمولد و حاشیه‌ای رفته یا فقط به افراد و شرکت‌های وابسته به بانک‌ها داده و صرف مال‌سازي‌ها شود ضمن آنکه تامین مالی بنگاه‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کند بلکه سبب افزایش تورم در اقتصاد خواهد شد. بررسی تجربه برخی کشورها چون آلمان، ژاپن، کره جنوبی و چین در هدایت اعتبار و رشد اقتصادی ناشی از آن نشان دهنده کارآمدی این سیاست مهم در اقتصاد است؛ سیاستی که اقتصاد ایران همواره به‌جز برهه‌هایی کوتاه از آن محروم بوده است.

کم‌ی از تسهیلات را به خود اختصاص داده‌اند. این مساله حکایت عدم تمایل بانک‌ها به هدایت پول و اعتبار جدید به سمت بخش‌های صنعتی و تولیدی و تمایل آنها به بخش‌های بازرگانی و خدمات دارد. البته باید در نظر داشت گسترش بخش خدمات در اقتصاد و نیز افزایش سهم آن از نقدینگی، به خودی خود بد نیست. با این حال توجه به کمیت و کیفیت خدمات در مراحل مختلف توسعه‌یافتگی بسیار مهم است. به‌عنوان مثال در جوامع پیشرفته صنعتی، ابتدا تولید انبوه و انقلاب بهره‌وری، مقیاس تولید و عرضه محصولات کالایی را به‌شدت افزایش داد و از همین طریق به سبب

افزایش دستمزد و پاداش عوامل تولید، زمینه‌های تقاضای خدمات رفاهی، تفریحی و... فراهم شد و به این ترتیب سهم خدمات در اقتصادهای پیشرفته به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت. در واقع، خدمات در کشورهای مذکور نه تنها پشتیبان و تکمیل‌کننده نظام تولید بوده و هست بلکه شامل خدمات مولد نیز می‌شود و می‌تواند راه‌راه فرد و جامعه را رقم بزند. در مقابل در کشور ما در حالی که تولید در شرایط مناسبی قرار ندارد، بخش خدمات در حال رشد شتابان است، بی‌آنکه پشتوانه تولید و صنعت باشد و از آن حمایت کند یا دست کم رقیبی سرسخت برای تولید به‌ویژه در جذب اعتبارات اعطایی نباشد.

تجربه کشورها در هدایت اعتبار
سیاست خلق پول و هدایت اعتبار اگرچه برای اولین بار از سوی بانک مرکزی آلمان در سال ۱۹۱۲ و در ادامه توسط فدرال رزرو آمریکا اجرا شد، اما بیشترین اثر خود را در تاریخ اقتصادی زمانی به‌جا گذاشت که توسط بانک‌های مرکزی کشورهای شرق آسیا به‌ویژه ژاپن، کره جنوبی و چین به‌کار گرفته شد. اجرای این سیاست در کشورهای مذکور منجر به شکل‌گیری چنان رشد اقتصادی‌ای شد که بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۳ خود از مکانیسم دخالت دولت در تخصیص اعتبار، به‌عنوان عامل اصلی معجزه اقتصادی شرق آسیا یاد کرد.

سهم بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از تسهیلات بانکی



مشکلات اصلی کسب و کار در ایران از نظر فعالان اقتصادی (بر اساس ترتیب اهمیت)

ردیف	مشکلات	۲۰۱۱-۲۰۱۰	۲۰۱۲-۲۰۱۱	۲۰۱۳-۲۰۱۲	۲۰۱۴-۲۰۱۳	۲۰۱۵-۲۰۱۴	۲۰۱۶-۲۰۱۵	۲۰۱۷-۲۰۱۶
۱	دسترسی به منابع مالی	۱	۱	۱	۳	۱	۱	۱
۲	تورم	۳	۳	۳	۴	۳	۴	۲
۳	بروکراسی ناکارآمد دولتی	۴	۴	۵	۵	۴	۳	۳
۴	بی‌ثباتی سیاست‌ها	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۴

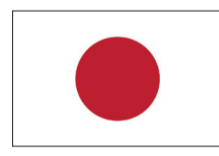
منبع: گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۶-۲۰۱۷

آلمان جنگ‌زده با هدایت اعتبار به رشد اقتصادی رسید

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و ابرتورمی که توسط بانک مرکزی در اقتصاد آلمان شکل گرفت، برنامه هدایت اعتبار توسط یالمار (وزیر اقتصاد هینتلمر (۱۹۳۷-۱۹۳۴)) اجرا شد. روش هدایت اعتباری حاوی مولفه‌های کمی و کیفی بوده و بانک مرکزی آلمان از طریق نرخ تنزیل مجدد و سهمیه‌های رشد وام‌دهی، بانک‌ها را متناسب با اهداف خود تشویق یا مجازات می‌کرد. مولفه‌های کیفی شامل دستورالعمل‌های جزئی به بانک‌ها درباره تخصیص اعتبارشان به بخش‌ها و نواحی جغرافیایی خاصی از کشور بود. یا المار ساخت بخش کشاورزی، کارتل‌های بزرگ و بنگاه‌های صادرات‌محور را مورد توجه و هدف قرار داد و از سوی دیگر وام‌دهی برای مصرف و کالاهای لوکس را در اولویت قرار نداد. این کنترل‌های کمی و کیفی شامل کنترل‌های ارزی نیز می‌شد که به‌طور عمده برای تخصیص اعتبار در صنایع اولویت‌دار و صادرات‌محور مورد استفاده قرار می‌گرفت. در ادامه این برنامه، بانک‌ها باید به‌طور منظم جزئیات اسامی بدهکاران دریافت‌کننده وام‌های کلان به مقام ناظر بانکی را افشا می‌کردند. تخصیص بخشی از وام‌های بانکی از نزدیک مورد نظارت قرار می‌گرفت و فشار غیررسمی برای هدایت اعتبار به بخش‌های مورد نظر (مولد) استفاده می‌شد در حالی که هدایت اعتبار به بخش‌های نامطلوب سرکوب و متوقف می‌شدند.

در واقع اقتصاددانان آلمانی دریافتند بانک‌ها واسطه‌گری و چاره‌جویی پس‌اندازکنندگان و وام‌دهندگان نیستند بلکه هر بانک به صورت فردی دارای قدرت خلق اعتبار است. همچنین آلمانی‌ها براساس مشاهدات تجربی فهمیدند عمده‌تأمین مالی خارجی شرکت‌ها به شکل وام‌دهی بانکی است. بانک‌محور بودن تأمین مالی فقط منحصر به آلمان نبود، به‌طوری که حتی در ایالات متحده نیز طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۰ تنها ۱/۲ درصد از تأمین مالی کسب‌وکارها از طریق بازار سهام صورت گرفته است. تأمین مالی مستقیم کمتر از ۵ درصد تأمین مالی خارجی کسب‌وکارهای آمریکایی بوده است و مهم‌ترین منبع تأمین مالی خارجی برای کسب‌وکارهای آمریکایی بانک‌ها بوده‌اند.

ژاپن الگوی شرق آسیا در هدایت اعتبار



ریشه‌های سیاست برنامه درجعه هدایت اعتبار در ژاپن به اوایل دوران پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که همانند آلمان با نوعی از تخصیص و کنترل اعتباری بود. قانون موسوم به «تنظیم موقت منابع مالی» در سال ۱۹۳۷ به بانک مرکزی و وزارت دارایی ژاپن اجازه داد تقریباً در همه معاملات مالی مداخله کنند. بر این اساس تأمین مالی از طریق بازار سهام کاهش یافت و تخصیص منابع، بانک‌محور شد. بانک مرکزی ژاپن در این زمان به‌عنوان مرکز کنترل هدایت اعتبار عمل کرد. به دلیل کنترل‌های اعتباری بانکی، منابع بانکی می‌توانستند به صنایع با اهمیت استراتژیک (صنایع دفاعی طی دوران جنگ و بخش صادرات بعد از جنگ) تخصیص داده شوند. بر این اساس برنامه‌هایی برای نیازهای جامع تولیدات، وام‌گیرندگان به سه دسته تقسیم می‌شدند که عبارتند از: ۱- تدارکات مهم و حیاتی جنگ مانند شرکت‌های مواد اولیه و مهمات، ۲- وام‌گیرندگان با اولویت متوسط و ۳- وام‌گیرندگان با اولویت پایین که کالاهای مصرفی داخلی و اقلام لوکس را می‌ساختند.

تخصیص وام‌ها عموماً به گروه یک و دو محدود می‌شد و تخصیص به بخش سه تقریباً غیرممکن بود. این سیستم به سرعت اقتصاد ژاپن را تغییر داد. سیستم مذکور اطمینان می‌داد تنها تولیدکنندگان اولویت‌دار وام دریافت می‌کنند. بنابراین صنایع و بنگاه‌های با

اولویت پایین، ضعیف شدند در حالی که بخش‌ها و بنگاه‌های استراتژیک به سرعت رشد کردند. تولیدکنندگان اقلام لوکس اگر به تولیدکنندگان جنگی تبدیل نشده بودند (مانند تولیدکننده پیاپو یعنی یاماها که مجبور شد پروانه‌های هواپیما تولید کند)، به‌سادگی نمی‌توانستند منابع مالی خود را افزایش دهند. سیستم هدایت اعتبار بسیار کارآمد بود بنابراین پس از دوران جنگ نیز به‌طور کامل مورد استفاده قرار گرفت. تقریباً همه ارتباطات موجود بین شرکت‌ها در گروه‌های کسب‌وکار مختلف، پیمانکاران فرعی و بانک‌های اصلی‌شان از سیستم هدایت اعتبار زمان جنگ نشأت می‌گرفت. بنابراین به‌نظر می‌رسد تمایل به اعتبار مستقیم مهم‌تر از هر چیز دیگری شد. در واقع ژاپنی‌ها زمان جنگ به خوبی فهمیده بودند پول چیست، چطور خلق می‌شود و چگونه می‌تواند برای کنترل هر جنبه‌ای از اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. در واقع سیاست هدایت اعتبار را می‌توان اصلی‌ترین مکانیسم انگیزشی در اقتصاد ژاپن برشمرد که سیستم بانکی و مخصوصاً بانک‌های خصوصی را به خدمت‌هایی در راستای اهداف تعیین شده دولت تبدیل کرد که شامل جواز (مانند اعطای مجوز تأسیس شب جدید)، مساجزات‌ها (مانند قطع کردن سهمیه‌های تنزیل مجدد، ایجاد شرایط نامساعد برای معاملات با سایر بانک‌ها و کاهش سهمیه‌های برنامه درجعه هدایت)، قواعد (مانند سهمیه‌های وام‌دهی و وام‌دهی به بخش‌های مورد نظر دولت طبق سیاست صنعتی) و داوران (بانک مرکزی ژاپن و وزارت دارایی) بود.

رشد ال‌جی، سامسونگ، دوو و... در کره با هدایت اعتبار



کره جنوبی به‌عنوان کشوری شناخته می‌شود که فعالانه در مسیر توسعه اقتصادی خود به اجرای سیاست صنعتی پرداخته و در این مسیر با گذر از استراتژی جان‌شینی واردات و انتخاب استراتژی صادرات‌محور به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. حرکت جهش‌وار رشد اقتصادی در کره، با الگوگیری از سبک ژاپن آغاز شد و بنیانگذار تحولات توسعه‌ای کره، ژنرال پارک چونگ‌هی بود. وی که در ژاپن تحصیل کرده بود و عوامل موفقیت اقتصادی ژاپن اطلاع داشت، برنامه توسعه‌ای با محوریت دولت در جهت گیری‌های اساسی اقتصاد به سبک ژاپن طراحی کرد که بخش اصلی آن کنترل‌های متمرکز بر شیوه خلق و هدایت اعتبار توسط بانک‌ها بود. دولت کره به‌منظور استفاده از منابع پولی و اعتباری، راساً به مداخله‌گری در تخصیص اعتبارات پرداخت و بانک مرکزی را تحت کنترل شدید خود درآورد تا بتواند سیاست‌های صلاح‌دید خود به‌ویژه وزارت دارایی را به راحتی اجرا کند. در همین راستا با اصلاح قانون بانکی کره در سال ۱۹۶۱، نقش و قدرت کمیته سیاست پولی کره کاهش یافت، اکثر بانک‌های تجاری ملی شدند و دولت به بزرگ‌ترین سهامدار نظام بانکی کشور تبدیل شد. در سال ۱۹۹۵، ۳۰٪ مجتمع بزرگ کره ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تولید کرده‌اند و سهم آنها در تولید ناخالص داخلی بخش صنعت ۴۱ درصد بوده است (این سهم در یک دهه قبلی یعنی در سال ۱۹۸۵، ۲۰ درصد بود). این شرکت‌ها ۵ درصد اشتغال کره را به خود اختصاص می‌دهند، ولی ۵۰ درصد صادرات ۱۳۰ میلیارد دلاری سال ۱۹۹۵ کره و ۱۴ درصد کل وام‌های بانکی را به خود اختصاص داده‌اند. از میان مجتمع‌های بزرگ صنعتی مورد بحث، چهار گروه اول یعنی هیوندایی، سامسونگ، ال‌جی و دوو کاملاً برجسته‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت یکی از رتوس مهم در برنامه توسعه صنعتی کره، کنترل متمرکز شیوه خلق و هدایت اعتبار توسط بانک‌ها با محوریت دولت بود. در یک کلام، موفقیت برنامه توسعه صنعتی کره را می‌توان درک صحیح دولت این کشور از اقتضات مراحل اولیه پیشرفت اقتصادی به‌ویژه رابطه مهم بخش‌های پولی و حقیقی در این دوره دانست.

چین چگونه به بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان تبدیل شد؟



پس از بازدیدند نو شیائوپنگ از ژاپن، هدایت اعتبار در چین به‌عنوان بخشی از اصلاحات اقتصادی او در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی ایجاد شد. برنامه اعتباری به‌عنوان مهم‌ترین تصمیم سیاست پولی از زمان شروع اصلاحات اقتصادی تا سال ۱۹۹۸، هر ساله توسط سه نهاد اصلی وزارت مالیه، شورای برنامه‌ریزی دولت و بانک مرکزی اجرا می‌شد. برنامه اعتباری شامل تصمیمات تخصیص اعتبار مبتنی بر اهداف سیاستی (بلندمدت) یا دستورالعمل‌هایی برای اهداف اصلی اقتصادی مانند رشد سالیانه تولید، سرمایه‌گذاری، تورم (که اهداف مذکور عمدتاً توسط کمیسیون برنامه‌ریزی دولت پیشنهاد و توسط شورای دولتی تصویب می‌شد) بود که کل نیازهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر بخش‌های اقتصادی و منطقه‌ای را در برمی‌گرفت.

توافق بر سر نیازهای سرمایه‌گذاری از طریق فرآیند مذاکرات پایین به بالا و رفت و برگشتی صورت می‌گرفت که خروجی آن طرح‌های سرمایه‌گذاری بود. روند تهیه برنامه اعتباری به این صورت بود که شعب استانی بانک‌های تخصصی، پیش‌نویس برنامه‌های اعتباری سالیانه خود را (با کمک و هدایت قابل توجه دولت‌های محلی) که شامل مجموع طرح‌های شهری و شهرستانی بود، آماده می‌کردند و به تصویب دفاتر مرکزی‌شان می‌رسانند و دفاتر مرکزی بانک‌های تخصصی، پیش‌نویس طرح‌های اعتباری را به دفاتر مرکزی بانک مرکزی ارسال می‌کردند. سپس بانک مرکزی و دولت در فرآیندی به اختصاص وام‌ها اقدام می‌کردند. تحت برنامه اعتباری، در اوایل دهه ۱۹۹۰ حدود یک‌سوم از وام‌دهی بزرگ‌ترین بانک تخصصی یعنی بانک صنعت و تجارت چین به بخش‌های کلیدی اقتصاد تخصیص داده شد، یک‌سوم دیگر به دارایی‌های ثابت و ۱۰ درصد دیگر برای پروژه‌های خاص دولت‌های محلی وام‌دهی شد. تنها کمتر از ۲۰ درصد وام‌دهی بانک به‌صورت مستقل و اختیاری تصمیم‌گیری شد. لازم به ذکر است با شروع اصلاحات اقتصادی از سال ۱۹۷۸ تا سال ۲۰۱۵، تولید ناخالص داخلی حقیقی چین با نرخ میانگین سالانه حدود ۷/۹ درصد رشد پیدا کرد به‌طوری که طی ۳۸ سال اخیر، اقتصاد چین به قیمت ثابت دلاری حدوداً ۳۰ برابر شده است. همچنین بانک جهانی تخمین می‌زند از سال ۱۹۸۱ تا سال ۲۰۱۰ ۶۷۹.۲۰۱ میلیون نفر در چین از فقر شدید نجات پیدا کردند. اکنون چین به بزرگ‌ترین اقتصاد (براساس برابری قدرت خرید)، بزرگ‌ترین تولیدکننده، بزرگ‌ترین تجارت‌کننده کالا و بزرگ‌ترین نگهدارنده ذخایر ارز خارجی در جهان تبدیل شده است.

منابع:

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نقد برنامه‌های توسعه ایران از منظر ارتباط بخش مالی و واقعی (سیداحسان خان دوزی - محسن مقیسه)